

بررسی حمایت از بزه دیدگی جنسی اطفال و کودک آزاری در جامعه

(تاریخ دریافت ۱۳۹۹/۱۰/۱۵، تاریخ تصویب ۱۴۰۰/۰۳/۱۲)

یوکابد رضائی

چکیده

کودک آزاری جنسی عبارتست از انجام اعمال ناشایست به وسیله بزرگسالان با کودکان زیر سن رضایت با توجه به مطالعات انجام شده نشان میدهد که تحریک پذیری جنسی کودک مربوط به دوران بلوغ نیست بلکه پیش از دبستان نیز معمولاً کودکان دچار این مسئله هستند از این رو بحث کودک آزاری جنسی مورد توجه است و از آنجائی که این امر پنهانی است اهمیتش دوچندان می شود. نقش خانواده بلحاظ امنیت روانی و مدرسه بلحاظ آموزش امنیت زیادی دارد. این جرم در ردیف زنا با محارم؛ مساحقه؛ لواط و... قرار می گیرد با این تفات که جایگاه ویژه ای در قانون اساسی ندارد و توجه زیادی به این جرم و مجازات آن نسبت به جرمهای دیگر در قانون اساسی نشده است.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

واژگان کلیدی: حمایت، بزه دیدگی، اطفال، پیشگیری، بزه دیدگی جسمی، کودکان بزه دیده

بخش اول : جرایم جنسی علیه اطفال

با کمال تاسف و شرمندگی در جوامع امروزی به علت ضعف و سقوط اخلاقیات به خصوص در جوامع که با پیشرفت صنعت و تکنولوژی تصور می نمایند به همان سرعت پیشرفت و تحول علمی و صنعتی بر اوج تمدن نیز سوار گردیده اند و راه صعود می پیمایند، در حالی که با سرعت حیرت انگیزی در سراسری سقوط و انهدام فرهنگ ها و اخلاقیات راه انحطاط را طی می کنند. در آن جوامع جرایم جنسی به مراتب بیشتر از جرایم دیگر سایه شوم خود را بر سر بشریت گسترده است، باز هم با کمال تاسف جرایمی چون « هم جنس بازی» که گاهی در بعضی از جوامع پیشرفته، آنقدر سقوط اخلاقی متحول و ظاهر گردیده است که نه تنها آن را جرم ندانسته اند بلکه در نهایت حقارت و شرمساری مجوز آن را نیز صادر می کنند و ازدواج دو هم جنس را قانونی نیز می نمایند. مجرمان جنسی با استفاده از خردی، ضعف، بی اطلاعی و گاهی نیاز اطفال به این گونه جرایم زشت و فجیع روی می آورند و تمنیات کثیف خود را از طریق آمیزش و تمتع از اطفال تشفی می نمایند و با سوء استفاده از اطفال (اعم از پسر یا دختر) موجب هتک حرمت فردی و اجتماعی آنها می شوند. دستیابی به آمار دقیق در این زمینه دشوار است، زیرا سوء استفاده از کودکان کار مخفی است که در آن کودکان اغلب از طریق شبکه های زیرزمینی قاچاقچیان رد و بدل می شوند. « با این وجود تخمین زده می شود که تقریباً یک میلیون کودک، غالباً دختر هر سال به این تجارت چند میلیارد دلاری کشانده می شوند. تخمین زده می شود در هند ۴۰۰۰۰۰ زن و کودک، در آمریکا بین ۲۴۴۰۰۰ تا ۳۲۵۰۰۰ نفر، در تایلند ۲۰۰۰۰۰ نفر، در اروپای شرقی و مرکزی ۱۷۵۰۰۰ نفر در برزیل ۱۰۰۰۰۰ نفر، در آفریقای غربی ۳۵۰۰۰۰ نفر است شمار جنسی می شوند»^۱ کما اینکه در گزارشی آمده است که « در بوسنی دختر بچه ها مورد تجاوز عده ای اوباش قرار می گیرند، دوباره به آنها تجاوز می شود، مثله می شوند و به قتل می رسند

^۱ - رفتار و سازش جنسی بین دو هم جنس را چه به صورت رابطه عاطفی و روانی و چه به صورت برقراری رابطه جنسی، هم

جنس بازی گویند. هدایت الله ستوده و بهشته میرزایی و افسانه پازند - روان شناسی جنایی ص ۱۹۲

^۲ - گزارش یونیسف از استعمار کودکان در جهان، روزنامه ایران، ش ۱۹۹۴، ص ۱۳۸۰، ص ۱

یا در تایلند، دختران جوان، خیلی جوان، دخترانی که هنوز به سن بلوغ نرسیده اند، از روستاهای میانمار ربوده می شوند تا در هر شبانه روز مورد تجاوز جنسی ده، پانزده، بیست، سی مرد قرار گیرند»^۱ به هر حال میل جنسی یک میل غریزی ساده نیست؛ این میل را میتوان به آتشفشانی تشبیه کرد که از اعماق وجود انسان برمی خیزد و اگر به روشی صحیح کنترل و مهار نشود، هر آنچه را که بر سر راهش باشد ویران می کند و از بین می برد. « این کشش از بسیاری جهان به نیروی جاذبه، یعنی نیروی جنباننده عالم شبیه است. چه، مانند آن به نسبت فاصله کاهش می یابد و اگر جاذبه همه حرکات اجسام را تغییر می دهد، این کشش تا زمانی که تداوم دارد همه حالت های روح را دگرگون می کند. با این حال این کشش با نیروی جاذبه تفاوتی دارد نیروی جاذبه در برخورد با موانع به حال تعادل در می آید، در حالی که این کشش در برابر تعدد موانع تندتر می شود. »^۲ آهر چند از نظر جرم شناسی به جرایم جنسی چون زنا و لواط، اصطلاحاً « جرایم بدون بزه دیده »^۳ اطلاق می گردد لیکن زمانی که این جرایم علیه اطفال ارتکاب می یابند سیاست جنایی ایجاب می نماید که از اطفال قربانی این گونه روابط جنسی حمایت شود.

بخش دوم: تقبیل طفل

تقبیل در لغت به معنی «بوسیدن» و «بوسه دادن» است.^۴ و در مانحن فیه نیز مراد این است که شخص بزرگسالی طفل دیگر را از روی شهوت ببوسد. این جرم نیز بدون اینکه از حیث سن مجنی علیه تفاوتی داشته باشد در ماده ۱۲۴ قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۰ بیان گردیده است. هر چند واژه های « کسی » مرتکب و « دیگری » بزه دیده به صورت عام و مطلق در این ماده ذکر گردیده اند لیکن قواعد « تغلیب » و « تبادر عرفی » ایجاب می نمایند که این جرم را هم همانند نفخیزد در مورد اشخاص مذکر مطرح نماییم. مرتکبان این بزه را اکثراً

^۱ - زهره قاینی، پیشرفت ملت ها، ص ۳۷

^۲ - سزار بکارپا - پیشین

^۳-victimless crimes

^۴ - دکتر عباس زراعت شرح قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات، پیشین ص ۳۴۸

مردان بزرگسال تشکیل می دهند (هر چند که ارتکاب این جرم از ناحیه اطفال ممیز علیه اطفال غیر ممیز هم ممکن است) و بزه دیدگان ان نیز، غالباً اطفال می باشند (تقبیل اشخاص بزرگسال به نظر می رسد که مطابق ماده ۶۳۷ قانون مجازات اسلامی « تعزیرات و مجازات های بازدارنده » قابل مجازات باشد)^۱ در روایات و متون معتبر فقهی هم «تقبیل» در مورد «پسر» مطرح گردیده است که ذیلاً به چند مورد اشاره می گردد.

« روی ان من قبل غلاما یشهوه لعنته ملائکه السماء و ملائکه الارض و ملائکه الرحمه و ملائکه الغضب و اعدله جهنم و سائت مصیرا یعنی هر گاه پسری را از روی شهوت ببوسد، ملائک های آسمان در زمین و ملائک های رحمت و غضب همه بر او لعنت می کنند و فی حدیث آخر من قبل غلاما یشهوه الجمه الله تعالی یوم القیامه بلجام من نار و در روایت دیگر است که کسی که پسری را از روی شهوت ببوسد خداوند عالم لجام و دهانه ای از آتش به دهان او میزند و آتش جهنم برای او مهیا میشود. در وسایل در کتاب حدود از اسحق بن عمار هم روایت شده است : قال قلت لابی عبدالله (ع) رجل محرم قبل غلاما بشوه، قال تضرب ماه جلده یعنی راوی می گوید به حضرت صادق (ع) عرض کردم مردی در حال احرام از روی شهوت پسری را بوسیده است حضرت فرموده اند : ر او صد تازیانه می زنند. شهید اول در کتاب اللمعه الدمشقیه فی فقه الامیه فرموده است : « یعزر من قبل غلاما بشوه». شهید ثانی هم در کتاب الروضه البهیة فی شرح اللمعه الدمشقیه در این خصوص می فرمایند : « یعزر من قبل غلاما بشوه بمابزاه الحاکم لانه من جمله المعاصی بل الكبائر للتوعد علیه بخصوصه بالنار...» مرحوم علامه حلی در کتاب المختصر النافع فی فقه الامیه در این مورد بیان داشته است : « و کذا یعزر من قبل غلاما بشهوه » مرحوم علامه مجلسی در کتاب حدود و قصاص و دیات اذعان داشته است : « هر که پسری را به شهوت ببوسد او را تعزیر می کند حاکم شرع به آنچه مصلحت داند تا نود و نه تازیانه...»^۲

۱- ر. ک به : همان ص ۳۴۹

۲- علامه مجلسی، پیشین، ص ۲۱

بالاخره آیت الله خویی در جلد دوم کتاب « منهای الصالحین » فرموده است: « من قبل غلاماً بشهوه فان كان محرماً ضرب مائه سوط و الا عزره الحاكم دون الحد حسبما يراه من المصلحة »^۱ بنابراین در حال حاضر اصل قانونی بودن جرایم و مجازات ها ایجاب می نماید که برابر عموم حکم ماده ۱۲۴ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰، تقبیل کننده طفل را تا ۶۰ ضربه شلاق تعزیر نمائیم. ولی از نظر فقهی بین فقهای در حکم آن اختلاف نظر وجود دارد. « نظر مشهور فقهاء چنانکه شهیدین و آیت الله خمینی (ره) و محقق حلی و صاحب جواهر هم می فرمایند این است که باید به کمتر از حد یا صلاحدید حاکم شرع تعزیر شود و فرقی نمی کند که محرم باشد یا غیر محرم، البته غیر محرم تاکید شده است. ولی در جائی دیگر از شرح لمعه نیز در خلاف و جواهر آمده است که، باید حد زنا (یکصد ضربه شلاق) بر او زده شود و صاحب جواهر روایتی را در تایید این قول بیان فرموده است. »^۲

بخش سوم: پدوفیلی « بچه بازی »

پدوفیلی به عنوان زشت ترین، فجیع ترین و جنجالی ترین مسایل مربوطه حقوق جزا به خصوص در جرایم علیه اطفال می باشد. پدوفیلی "pedophilie" از ریشه "pedophilia" در حقوق روم و از دو کلمه "pedo" به معنای « بچه » و "philia" به معنی « دوست داشتن » یا « عشق ورزیدن » از زبان لاتین نشأت گرفته است و در اصطلاح حقوقی به سوء استفاده جنسی از اطفال تلقی می گردد و در حقوق بین الملل جزایی از پدوفیلی به لذتی که یک شخص بزرگسال از داشتن روابط جنسی با کودکان اعم از پسر یا دختر می برد، تعبیر گردیده است.^۳ مرتکبان این جرم از نظر رابطه خویشاوندی که با طفل بزه دیده دارند به دو دسته « بچه بازان درون خانوادگی »^۴ و « بچه بازان برون خانوادگی » تقسیم می شوند. بر مبنای گزارش محققان در ایالت متحده آمریکا به سال ۱۹۸۵ به طور متوسط هر

^۱ - سید ابوالقاسم موسوی خویی، منهای الصالحین ج ۲، پیشین ص ۴۰

^۲ - به نقل از جعفر ارجمند دانش، پیشین صص ۵۷ و ۵۶

^۳ - دکتر رضا نوری، پدوفیلی در حقوق جزای اسلام و حقوق بین الملل، ص ۲۶

^۴ - Incest pedophiles

پدوفیل درون خانوادگی مرتکب ۳۵ تا ۴۵ فقره فعل مجرمانه مزبور بر روی یک یا دو کودک می شود. پدوفیل های برون خانوادگی مرتکب یک یا دو فقره فعل مجرمانه بر روی هر فرد از میان تعدادی کودک که رقم ایشان به طرز وحشت آوری بالا است می گردند یک یا دو فقره از میان حدود ۲۰ «قربانی اناث»^۱ و یا ۱۵۰ «قربانی ذکور»^۲ آذر ازای هر پدوفیل. بنابراین نتایج آشکار می کند که این گونه اشخاص تهدید بسیار بزرگی برای اطفال هستند. از نظر روان شناسی جنایی نیز پدوفیلی ها یا بچه بازی نوعی اختلال روانی است که در نتیجه آن فرد بیمار به جای برقراری رابطه عادی جنسی با جنس مخالف، به سراغ دختران یا پسران کم سال و نوجوانان می رود و میل جنسی خود را با تماس با آنها ارضاء می کند. مرتکبان پدوفیلی بیشتر مردان هستند که اگر با حالت های روانی دیگر مثل «سادسیم»^۳ توام شود سبب ارتکاب جنایت هایی هم می گردند و بسیاری از این مرتکبان ازدواج کرده و گاه خود دارای فرزند نیز می باشند. همه مجرمان که مرتکب «بچه بازی» می شوند از اشخاص بالغ می ترسند، به همین دلیل به بچه ها نزدیک می شوند زیرا از این طریق احساس قدرت جنسی و تفوق به آنان دست داده و می توانند خود را ارضا کنند. آنها به طور ناخودآگاه همیشه احساس کودکان را داشته و از این جهت خود را با آنان همانند می سازند. بیشتر کسانی که پدوفیلی را مرتکب می شوند، اشخاصی انفعالی و مطیع بوده و از لحاظ فکری معیوب و یا به نوعی حالت عصبی یا روان پریشی دچار هستند و به عبارت دیگر اکثر مرتکبان بچه باز به اختلال عصبی دچار بوده و از نظر عاطفی ثبات ندارند این افراد معمولاً خشن نیستند، ولی بعضی اوقات به خصوص اگر زمانی که مشغول انجام عمل جنسی هستند، بچه شروع به فریاد کند، ممکن است که او را از ترس به قتل برسانند. اعتیاد به الکل و ابتلاء به جنون و پیری از عوامل مهم پدوفیلی محسوب می شوند.^۴ جرم پدوفیلی که در کشور ما

^۱-Female victim

^۲Male victim

^۳ - دبراو بتکامب، هنگامی که قربانی یک کودک است قسمت اول، ترجمه یاسمن حکمی، ص ۳۳

^۴ - دکتر تاج زمان دانش - مجرم کیست و جرم شناسی چیست، پیشین ص ۱۸۶

در اصطلاح عامیانه به «بچه بازی» معروف است متأسفانه از نظر قوانین موضوعه صراحتاً جرم به شمار نیامده و برای اطفال از این حیث حمایت خاصی پیش بینی نشده است لیکن کنوانسیون حقوق کودک ۱۹۸۹ که جمهوری اسلامی ایران نیز در سال ۱۳۷۲ به این کنوانسیون ملحق گردیده است. در مقام حمایت از اطفال در برابر تمام اشکال سوء استفاده جنسی من جمله پدوفیلی برآمده و اذعان داشته است که تمام کشورهای طرف کنوانسیون متعهد می گردند که از کودکان در برابر تمام اشکال سوء استفاده ها و استثماریها در رفتارهای جنسی علیه کودک حمایت کنند و از هر نوع عملی که موجب اضرار و ایذاء و آزار کودک در جهت سودجویی جنسی افراد می شود اعم از تماسهای شهوت انگیز، لواط و هر نوع آمیزش غیر قانونی استفاده از کودکان در فاحشه گری، تهیه عکس و فیلم های پورنوگرافیک، ربودن کودکان، قاچاق کودکان و معامله آنها، سوق دادن آنان به استفاده از مواد مخدر، توزیع و خرید و فروش مواد مخدر، الوده کردن آنان با مشروبات الکلی و داروهای مخدر و سوء استفاده جنسی از این طریق، شکنجه و آزارهای جنسی، جلوگیری کنند و با شدت و بدون هر گونه ملاحظه اجتماعی یا سیاسی از این مجرمان آنان را مجازات نمایند.

بخش چهارم: زنا با طفل

یکی دیگر از جرایم جنسی که علیه اطفال ارتکاب مییابد، زنا است. زنا یکی از قبیح ترین اعمال منافی عفت و مختل کننده نسل های بشری در نظام اجتماعی است و به همین جهت در قدیمترین همچون قانون حمورابی زنا را از زشت ترین اعمال منافی عفت ذکر و برای آن مجازات شدید تعیین گردیده بود در زمان جاهلیت از آنجایی که اعراب غیر متدین هر تعداد زن که می خواستند می گرفتند و هر وقت که اراده می کردند طلاق می دادند و هیچ مسئولیتی هم در این کار احساس نمی کردند لذا چون مانعی در کار نبود، جرم زنا هم تحقق پیدا نمیکرد. با پیدایش اسلام، زنا زشت شمرده شد و مقرراتی در این زمینه وضع گردید. ^۱اعلاوه

^۱ - آیات ۱۵ و ۱۶ از سوره النساء و آیه ۲ از سوره نور

بر مذهب اسلام، در بیشتر جوامع بشری و مذاهب آسمانی آن را حرام و موجب کیفر و جزا دانسته اند.

علامه حلی در شرح تبصره در تعریف زنا چنین گفته است « زنا عبارتست از نزدیکی با زنی در صورتی که عقد مزاجت اعم از دائمی یا انقطاعی یا شبهه عقد یا ملک یمین در بین نبوده باشد »^۱ شیخ طوسی در النهایه زنا را چنین تعریف کرده است: « آن زنا که حد به واجب کند، نزدیکی کردن است با آن کسی که خدای تبارک تعالی به او حرام کرده است نزدیکی کردن با وی بی عقدی و بی شبهه عقدی »^۲ آسزاریکاریا - فیلسوف ایتالیایی در شاهکار و اثر جاودانه خود « رساله جرایم و مجازات ها » زنا را این چنین تعریف کرده است: « زنا جرمی است که از دیدگاه مدنی نیرو و محرک آن از دو منبع تامین می شود قوانین متغیر انسان ها و کشش نیرومندی که جنسی را به سوی جنس مخالف می راند »^۳

قانون مجازات اسلامی هم در ماده ۶۳ خود در تعریف زنا مقرر می دارد: « زنا عبارت است از جماع مرد با زنی که بر او ذاتاً حرام است گرچه در دبر باشد در غیر موارد وطی به شبهه » در خصوص مانحن فیه نیز، زنا با طفل عبارت از این است که شخص مذکری (اعم از بالغ و نابالغ) آلت تناسلی خود را به قدر حشفه، در آلت تناسلی دختر صغیره داخل سازد، بدون اینکه رابطه عقدی در میان آن دو بوده باشد (اعم از عقد دائم یا موقت) همچنین دختر در ملکیت شخص مذکر نبوده و به او تحلیل نشده و شبهه ای نیز در میان نبوده باشد. بدین ترتیب همچنانکه قبلاً هم گفته شد بزه دیده این جرم منحصر به طفل مونث بوده (ولو اینکه از دبر با وی وطی بشود) و شامل طفل مذکر نمی گردد. حال پس از آشنایی با سابقه تاریخی و تعریف این جرم، حمایت های پیش بینی شده برای اطفال مونث در برابر این جرم را در حقوق ایران بررسی می نمائیم: اولین موردی که در قوانین موضوعه ایران، دختر صغیره از حیث جرم زنا مورد حمایت خاص قرار داده شده، ماده ۲۰۹ قانون مجازات عمومی مصوب

۱ - علامه حلی شرح تبصره ج ۳ ترجمه زین العابدین ذوالمجدین، ص ۳۹۵

۲ - شیخ طوسی النهایه فی مجرد الفقه و الفتاوی، ج ۲ به کوشش محمد تقی دانش پژوه، ص ۷۰۸

۳ - سزار بکاریا، پیشین، ص ۱۱۹

۱۳۰۴ می باشد. این ماده این چنین مقرر می داشت: « هر کس بدون اکره یا تهدید هتک ناموس (موقعه) دختری را که به سن ۱۵ سال نرسیده است نماید، جزای او حبس مجرد است از دو تا هشت سال و اگر مجنی علیها به ۹ سالگی نرسیده باشد به فاعل جزای کسی که به عنف یا تهدید و اکره مرتکب شده باشد داده می شود »

در سال ۱۳۱۲ این مقررہ حمایتی نسخ و مقررات جدیدی جایگزین آن گردید. به موجب بند «الف» ماده ۲۰۷ اخیرالتصویب مرتکب هتک ناموس زن به عنف یا تهدید مستوجب سه تا ده سال حبس با اعمال شاقه بود که در صورت وجود علت مشدده صغر سن بزه دیده که در بند «۲» ذیل همان قسمت «الف» پیش بینی شده بود به حداکثر مجازات محکوم می شد. بند «ب» ماده ۲۰۷ همین قانون هتک ناموس بدون عنف و تهدید را در صورتی که زن بین ۱۵ تا ۱۸ سال سن (که در آن زمان صغیر محسوب می شد) داشته باشد پیش بینی و مجازات حبس با اعمال شاقه از سه تا هفت سال را مقرر داشته بود و در قسمت اخیر خود، ارتکاب جرم مذکور در مورد بزه دیده ۱۵ سال تمام یا کمتر از هتک ناموس به عنف قلمداد و مستوجب مجازات بند «الف» دانسته بود. به علاوه مقررات حمایتی دیگری از حیث سمت مرتکب و نتیجه ارتکاب جرم (ازاله بکارت) و نیز مصداقی از عنف ذیل بند «الف» وضع شده بود. مقررات حمایتی فوق الاشعار در تاریخ ۱۳۶۱/۶/۳ به موجب تصویب قانون حدود و قصاص و مقررات آن ملغی گردید و بدین ترتیب تفاوت مقررات کیفری و مجازات ها به لحاظ سن بزه دیده از بین رفت. در حال حاضر ارتکاب زنا برابر مواد قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰ که جایگزین قانون حدود و قصاص و مقررات آن مصوب ۱۳۶۱ شده است از حیث سن بزه دیده تفاوتی ندارد. زنای مرد بالغ محصن با دختر صغیره در قانون مجازات اسلامی فعلی قید نشده، در حالی که زنای زن محصنه با پسر صغیر برابر تبصره ماده ۸۳ همین قانون ذکر گردیده و برای آن صد تازیانه منظور شده است. به عبارت دیگر، اگر اطفال را در جرم زنا بزه دیده قلمداد نمائیم، از طفل مذکر در قبال مرتکب مونث بالغ قانونگذار حمایت کرده است حال آنکه از طفل مونث در قبال مرتکب مذکر بالغ حمایت خاصی نشده است. در متون معتبر فقهی نیز در خصوص زنای مرد بالغ با دختر صغیره اختلاف نظر وجود

دارد بر اساس برخی فتاوی، مرتکب این جرم مستحق رجم نبوده و تنها تازیانه را مجازات او معین نموده اند. حضور امام خمینی (قده) ثبوت رجم یعنی تساوی مورد با جائی که مجنی علیها بالغ باشد را بعید ندانسته اند^۱ و حضرت آیت الله خویی ضمن بیان اختلاف نظر به جریان عموم حکم یعنی رجم نظر داده اند.^۲ در فروع کافی کتاب حدود از ابن روایت کرده و او از ابی عبدالله (ع) نقل نموده است: قال لا یحد الصبی اذا وقع علی امرئه و یحد الرجل اذا وقع علی الصبیه یعنی حضرت صادق (ع) فرمود: اگر بچه نابالغ با زن بالغ و عاقل زنا کند، به او حد جاری نمی شود ولی اگر مرد با زن صغیره زنا کند به آن مرد حد می زنند. از مواردی که حد و کیفر آن صد تازیانه است زنی است که شوهر داشته باشد و با وی طفلی به رضا و رغبت آن زنا کند، چنانچه در فروع کافی کتاب حدود از ابی بصیر روایت کرده و او از ابی عبدالله نقل نموده است: فی غلام صغیر لم یدرک ابن عشر سنین زنی بامرہ قال یجلد الغلام دون الحد و تجلد المراه الحد کاملاً قیل له فان کانت محصنه قال لاترجم لان الذی نکحها لیس به مدرک و لو کان مدرکاً رجعت یعنی حضرت صادق (ع) در حق طفل که ده سال داشت و چیزی نمی فهمید و با زنی که بالغ و عاقل بود زنا کرده بود فرمودند: غلام و طفل را تعزیر و تادیب می کنند و به زن حد کامل که صد تازیانه باشد می زنند، به حضرت عرض شد اگر زن شوهر داشته باشد چطور؟ حضرت فرمود: اگر زن شوهر داشته باشد در این فرض او را سنگسار نمی کنند به جهت اینکه آن کسی که با او زنا کرده است بالغ نیست و چیزی نمی فهمد و اگر زانی چیزی بفهمد آن را در صورت شوهر داشتن سنگسار می کنند^۳

بخش پنجم: ازدواج غیر قانونی با طفل

آخرین جرم مورد بحث جرم ازدواج غیر قانونی با طفل می باشد. مراد نویسنده در این قسمت بررسی مواردی است که شخصی بدون رعایت مقررات قانونی که ذیلاً بدان اشاره

۱- روح الله، موسوی خمینی - تحریر الوسیله، ج ۲، پیشین ص ۲۳۸

۲- ابوالقاسم خویی - تکمله المنهاج، ج ۱، پیشین ص ۱۹۸ و منهاج الصالحین، ج ۲، پیشین ص ۳۵

۳- به نقل از منصور ابادری فومشی - پیشین صص ۱۳۲ و ۱۳۱

خواهد گردید با طفلی ازدواج می نماید و از آنجایی که این ازدواج به لحاظ وضعیت خاص جسمانی طفل منتج به آثار زیانباری بر طفل می گردد. به عنوان مثال از مهمترین آثار زیانبار این جرم علاوه بر به خطر افتادن سلامت جسمی و روحی می توان به « مساله شناخت نداشتن منکوحه صغیره نسبت به طرف مقابل اشاره کرد زیرا، دختری که در کم سالی تحت تاثیر مصالح والدین با مردی ازدواج می نماید، در سنینی که به بلوغ فکری و اجتماعی می رسد نمی تواند با فرد مورد نظر به زندگی ادامه دهد فلذا این امر یکی از عواملی است که سبب بالا رفتن آمار طلاق و نابسامانی های اجتماعی می شود» از این رو مقنن درصدد حمایت از اطفال در قبال این جرم برآمده است. عصر معنوی این جرم سوء نیت عام است و عنصر مادی آن ازدواج (اعم از ازدواج دائم و موقت) با دختر صغیر است (اعم از اینکه قبلاً به ازدواج کسی درآمده یا بکارت او باقی مانده و یا ثیب باشد) فلذا اگر زنی با پسر نابالغ ازدواج نماید مشمول این جرم نخواهد بود هر چند که اذن ولی (پدر و جد پدری) برای ازدواج پسر صغیر و دختر صغیر هر دو لازم است.

بر همین مبنا سیر تاریخی مقررات حمایتی از اطفال اناث در قبال این جرم ذیلاً به اختصار بیان می گردد.

از نظر تاریخی نخستین مقررہ حمایتی در این خصوص در قانون مدنی مصوب ۱۳۰۷ به چشم می خورد با این توضیح که در ماده ۱۰۴۱ این قانون آمده بود که: « نکاح اناث قبل از رسیدن به سن ۱۵ سال تمام و نکاح ذکور قبل از رسیدن به سن ۱۸ سال تمام ممنوع است. مع ذلک در مواردی که مصالحی اقتضا کند با پیشنهاد مدعی العموم و تصویب محکمه ممکن است استثنائاً معافیت از شرط سن اعطا شود ولی در هر حال معافیت نمی تواند به اناثی داده شود که کمتر از ۱۳ سال تمام و به ذکوری شامل گردد که کمتر از ۱۵ سال تمام دارند.»

هم چنانکه ملاحظه می شود مطابق مقررہ فوق الاشعار تنها حمایت به عمل آمده در قبال ازدواج با طفل، حمایت حقوقی (مدنی) بود. بدین معنی که تنها ضمانت اجرای عدم رعایت

مقرره فوق، رسمیت نبخشیدن به چنین ازدواجی از طرف قانونگذار بود فلذا حمایت کیفری برای عدم رعایت دستورهای فوق پیش بینی نگردیده بود. تا اینکه قانونگذار در سال ۱۳۱۰ به موجب قانون ازدواج و با درج ماده ۳ آن به شرح ذیل، در قبال این گونه موارد از اطفال حمایت کیفری به عمل آورد: «مزاوجت با کسی که هنوز استعداد جسمانی برای ازدواج پیدا نکرده ممنوع است. هر کس با کسی که هنوز استعداد جسمانی نداشته مزاجت کند به یک تا سه سال حبس تادیبی محکوم خواهد شد و به علاوه ممکن است مجرم به جزای نقدی از دویست تومان تا دو هزار تومان محکوم گردد. در مورد این ماده رسیدگی در محاکم مخصوصی که اصول تشکیلات و طرز رسیدگی آن مطابق نظامنامه های وزارت عدلیه تعیین خواهد شد به عمل می آید.» برخلاف قانون مدنی ۱۳۰۷ که انگیزه حمایتی قانونگذار را معیار سن (کم بودن سن طفل) می دانست در این مقرره حمایتی تنها استعداد جسمانی به عنوان داعی حمایتی قانونگذار مد نظر قرار گرفته است با این بیان که اگر شخصی با فردی که استعداد جسمانی برای این امر نداشته ازدواج می نمود بدون توجه به سن بزه دیده مطابق این مقرره مجازات می گردید (البته به شرط اینکه این فقد استعداد جسمانی مجنی علیه به تایید اهل خبره می رسید) فلذا معیار سن مذکور در ماده ۱۰۴۱ قانون مدنی ۱۳۰۷ در تعیین این استعداد جسمانی تنها می توانست به عنوان ضابطه یا قرینه مد نظر باشد نه یک چهار چوبه معین و کلیدی که تمام موارد با آن سنجیده شود. در تاریخ ۱۳۱۰/۶/۲۳ وزارت عدلیه وقت در راستای اجرای قسمت اخیر مقرره حمایتی موصوف (ماده ۳ قانون ازدواج ۱۳۱۰) نظام نامه ای را به تصویب رساند که مطابق ماده ۱ آن: «محکمه ای که باید در هر محل برای اجرای مقررات ماده ۳ قانون ازدواج مصوب ۲۳ مرداد ماه ۱۳۱۰ تاسیس گردد، تشکیل می شود از سه نفر به تعیین وزارت عدلیه: ۱- حاکم یا نایب الحکومه محل و در مرکز ایالات، معاون ایالات یا یک نفر دیگر از اعضای ایالتی به معرفی والی ۲- طبیب صحیه ۳- یک نفر از مستخدمات قضائی یا اداری ممکن است برای هر محکمه یک عضو علی البدل

نیز از طرف وزارت عدلیه معین گردد». ماده ۳ نظامنامه موصوف نیز به منظور قابلیت اعمال بهتر این مقررہ حمایتی اشعار می داشت که: «تعقیب متخلفان از مقررات ماده ۳ قانون مذکور مستقیماً در خود محکمه به عمل خواهد آمد بدون اینکه قبلاً مستنطق در آن امر دخالت نماید». بدین ترتیب تا سال ۱۳۱۶ برای جلوگیری از مزاجت های غیر قانونی اطفال مستندات فوق الاشعار به شرح و تفصیل فوق پیش بینی گردیده بود.

در سال ۱۳۱۶ حمایت مذکور در ماده ۳ قانون ازدواج ۱۳۱۰ به شرح ذیل اصلاح گردید: «هر کس برخلاف مقررات ماده ۱۰۴۱ قانون مدنی با کسی که هنوز به سن قانونی برای ازدواج نرسیده است مزاجت کند به شش ماه الی دو سال حبس تادیبی محکوم خواهد شد. در صورتی که دختر به سن ۱۳ سال تمام نرسیده باشد لااقل به دو الی سه سال حبس تادیبی محکوم می شود و در هر دو مورد ممکن است علاوه بر مجازات حبس به جزای نقدی از دو هزار ریال الی بیست هزار ریال محکوم گردد...»^۱ ملاحظه می گردد که مطابق اصلاحیه فوق الاشعار، معیار استعداد جسمانی در خصوص این حمایت حذف و شرط سنی ماده ۱۰۴۱ قانون مدنی ۱۳۰۷ که سهل الوصول و روشن تر بود جایگزین آن گردید و به عبارت دیگر بر مبنای این اصلاحیه از اطفال در قبال عدم رعایت مقررات مربوط به ازدواج با آنها (به نحو مذکور در ماده ۱۰۴۱ قانون مدنی ۱۳۰۷) حمایت کیفری به عمل آمد. البته لازم به ذکر است که میزان این حمایت کیفری برحسب سن طفل اناث بزه دیده فرق می کرد بدین نحو که مزاجت با اطفال اناث کمتر از ۱۳ سال تمام، حبس تادیبی دو تا سه سال را در پی داشت حال آنکه برای مزاجت با اطفال اناث بین ۱۳ سال و ۱۵ سال تمام حبس تادیبی شش ماه تا دو سال تعیین گردیده بود. به انضمام اینکه حمایت تخیری جزای نقدی (دو هزار ریال الی بیست هزار ریال) برای هر گروه سنی مارالذکر قابل اعمال بود.

حمایت هایی که تا به حال بدان ها اشاره گردیده تنها در قبال ازدواج غیر قانونی با طفل پیش بینی گردیده اند بدون اینکه این ازدواج غیر قانونی منجر به صدمه و آسیبی به طفل

^۱ - مجموعه قوانین و مقررات سال ۱۳۱۶، روزنامه رسمی، ص ۷

اناتا گردد حال اگر بر اثر این ازدواج و واقعه، صغار اناث متحمل صدمه و آسیب های غیر قابل جبران بشوند آیا باز همان حمایت های قبلی آنها را تحت پوشش قرار می دهند و یا اینکه مقررات حمایتی به تناسب صدمه ها و آسیب های وارد آمده به طفل تشدید می گردد ؟ در قانون ازدواج مصوب ۱۳۱۰ حمایت خاصی در قبال این صدمه ها و آسیب های وارده تصریح نگردیده بود فلذا مرتکبان برابر مقررات قانون مجازات عمومی قابل تعقیب بودند ولی در اصلاحیه قانون ازدواج (در سال ۱۳۱۶) با پیش بینی مقررات خاص (مندرج در قسمت دوم ماده قانونی اصلاحی) با توجه به میزان و نوع صدمه، این اعمال از شمول عمومات قانون مجازات عمومی خارج گردید. مقررات حمایتی خاص در قبال این گونه صدمه ها و آسیب ها مطابق قسمت دوم ماده ۳ قانون ازدواج اصلاحی ۱۳۱۶ بدین نحو است : « اگر در اثر ازدواج برخلاف مقررات فوق واقعه منتهی به نقص یکی از اعضا یا مرض دائم زن گردد مجازات زوج از پنج الی ده سال حبس با اعمال شاقه است و اگر منتهی به فوت زن شود مجازات زوج حبس دائم با اعمال شاقه است...» حمایت خاص دیگری نیز برای اطفال اناث در قبال این نوع بزه دیدگی به موجب قسمت اخیر ماده ۳ مورد بحث پیش بینی گردیده است و آن اینکه قانونگذار در این قانون به لحاظ اهمیت موضوع و حساسیت حقوق اطفال اناث از معاونان این جرم تحت عنوان شریک جرم نام برده و برای آنها مجازات مباشر و یا معاون جرم را مقرر نموده است بدین بیان : «... عاقد و خواستگار و سایر اشخاصی که شرکت در جرم داشته اند نیز به همان مجازات یا به مجازاتی که برای معاون جرم مقرر است محکوم می شوند...» بدین ترتیب عاقد و خواستگار و دیگران که مقدمات چنین ازدواجی را فراهم نموده اند هر چند ماهیتاً مطابق قواعد عمومی مرتکب معاونت در جرم شده اند لکن قانونگذار به منظور حمایت بیشتر از حقوق اطفال اناثی که بزه دیده این جرم واقع می شوند از آنها به نام اشخاصی که در جرم موصوف شرکت داشته اند یاد کرده است. بنابراین تا سال ۱۳۴۶ بر اساس ماده ۱۰۴۱ قانون مدنی ۱۳۰۷ و با عنایت بر ماده ۳ قانون ازدواج اصلاحی ۱۳۱۶، ازدواج با اطفال مونث کمتر از ۱۵ سال تمام جرم بوده و مرتکبان

این جرم (اعم از زوج، عاقد، خواستگار و سایر اشخاصی که مقدمات چنین ازدواجی را فراهم نموده اند) برحسب مورد به مجازات های مقرر محکوم می شدند. در سال ۱۳۴۶ با تصویب ماده ۲۳ قانون حمایت خانواده، دایره حمایتی بزه دیدگاه این جرم افزایش یافت بدین نحو که از یک طرف ازدواج با اطفال مونث کمتر از ۱۸ سال تمام ممنوع گردید و از طرف دیگر معافیت از شرط سن جهت ازدواج برای اطفال اناث بالاتر از ۱۵ سال اختصاص داده شد. فلذا با تصویب قانون اخیرالذکر، طیف سنی بزه دیدگاه این جرم از ۱۵ سال تمام به ۱۸ سال تمام گسترش یافت بدون اینکه در مقررات کیفری حمایت کننده از این بزه دیدگان تغییری ایجاد شود.^۲

بخش ششم: سوء استفاده از اطفال در فعالیت های جنسی

امروزه بیش از هر زمان دیگر موضوع سوء استفاده از اطفال در فعالیت های مجرمانه جنسی مطرح است، اینکه علت و ریشه آن چیست نیاز به تحقیق بیشتری دارد، اما همین قدر می توان در پول پرستی و لجام گسیختگی جنسی یافت. شاید امروزه بر اساس آمارهای منتشره بیشتر ربوده شدن، فروختن و حتی اجبار به رو سپیگری اطفال را به بعضی از کشورهای جهان در آمارها نسبت دهند، اما واقعیت این است که وقتی رواج فیلم های مستهجن از مناطق متمدن امروزی شروع شد چنین روزی را بایستی انتظار داشت و این شروع نامبارک نقطه عطفی جهت انحراف جوامع دیگر بود. به هر حال افتضاح ربودن فرزندان در بلژیک و تجاوز و به قتل رساندن تعدادی از اطفال و کشف این جنایت ها توسط تعدادی جانی، موجی از نگرانی را در سطح اروپا به وجود آورده است و کم و بیش روزنامه ها از اوضاع رو به وخامت این کالای جدید امور جنسی و شهوانی ابزار تاسف نموده و حتی هشدار می دهند. امروزه کارگردان های هوس ران و پول پرست همان فیلم های مستهجن دیروز با حرص و ولع بیشتر نسبت به جمع آوری پول زیادتیر با متد جدبدر اقدام به تهیه و تنظیم

^۱ -ماده ۳ قانون ازدواج اصلاحی ۱۳۱۶

^۲ -: غلامرضا شهری و سروش ستوده جهرمی - پیشین ص ۲۰۵ نظریه شماره ۷/۱۴۶۶ - ۱۳۶۱/۳/۲۰

فیلم هایی که کاراکترهای آن را با اطفال معصوم و حتی نوجوانان کم اطلاع تشکیل می دهند نموده و آن را ساخته و روانه بازار کرده است که به واقع حتی همین حرمت کم باقی مانده از آن طوفان رواج فحشاء و فساد دوران اخیر را نیز نابود کرده اند و این روند که سمت و سوی آن هدف قرار داده اند و نشانه رفتن نوع بشر و انسانیت انسان است مراحل خیلی خطرناک خود را با وضع رقت باری سپری می کند. عدم نوع ترحم به نوع بشر، به خصوص به اطفال معصوم، درون خانواده های سالم به حدی شدت یافته است که مع الاسف ساخت کار تنها مستهجن برای اطفال کم سن و سال گرفته تا نوجوانان فزونی یافته است و عجیب است که این تحول خطرناک یا شاید نسل کشی آینده با آهنگی آرام در حال حرکت است و علی رغم اثرهای زیانبار آن در جوامع مورد استفاده، این جنایت کما کان ادامه دارد. رایانه و اینترنت که روزی به عنوان وسایلی خدماتی طرح ریزی شده اند و به بازار آمدند، امروزه به صورت ابزاری در دست همین حریصان در آمده اند به طوری که با ساخت انیمیشن های متنوع و متفاوت، فیلم های کارتونی به بدترین شکل از این وسالی سهل الوصول تولید و حتی این وسالی خوش نام را بدنام کرده اند.^۱

در سال های اخیر، سوء استفاده از اطفال در فعالیت های مجرمانه جنسی (در سطح وسیع در مراکز مسکونی مشاهده شده است، به علاوه سوء استفاده جنسی سازمان یافته از اطفال سوء استفاده مکرر از اطفال در مراکز مسکونی - خصوصی و دولتی - و شبکه هایی را در مورد برقرای جنسی با اطفال فعالیت دارند گزارش شده است).^۲ بهره برداری از اطفال در فعالیت های مجرمانه جنسی، می توانند یا در خانواده صورت گیرد یا در خارج از محیط خانه، این نوع بهره برداری ها که بیشتر در قالب (آزار جنسی) مطرح می شوند بیشتر در

-حسین فرحی، پیشین، ص ۲۳.

-پیتول، پیشین، ص ۲۱.

خانه های خود اطفال و توسط خویشاوندان نزدیک صورت میگیرد، البته در محیط خارج دیده می شود که بیشتر علیه دختران است. در بسیاری از جوامع، سوء استفاده از طفل در فعالیت های مجرمانه جنسی، هر گونه سوء استفاده برای فعالیت های جنسی دراز طفلی را شامل می شود که راضی به این کار نبوده است و یا رضایت وی قانونا معتبر نباشد، فلذا در مواردی که طفلی به سن اعتبار رضایت نرسیده باشد، حتی اگر راضی یا خود باعث این سوء استفاده باشد می توان طرف دیگر را به این سوء استفاده محکوم کرد. در کشیده شدن اطفال به فعالیت های مجرمانه جنسی عوامل زیادی موثرند که گاه درونی و گاهی بیرونی است (عوامل درونی بر میگردد به تمایلات طفل در این زمینه و عوامل بیرونی یک سلسله عواملی است که طفل را مجبور به شرکت در این گونه فعالیت ها می نمایند. فقر، بی سوادی، اعتقادات سنتی غلطابی سرپرست بودن، تجارت طفل و... شرایط پایان زندگی، عدم کفایت تعلیم و تربیت، سوء تغذیه، عدم اشتغال و عدم فرصت هایی برای تفریح که همه ناشی از فقر است از عواملی هستند که اطفال را آسیب پذیر کرده است و نسبت به در معرض قرار دادن فعالیت های مجرمانه های جنسی موثر است) ۳.

بنابراین از آنجایی که به کار گیری اطفال در فعالیت های جنسی موجب ورود صدمه های جسمی، آسیب های روانی و اجتماعی در اطفال در حال رشد می شود مجامع بین المللی و گاهی هم قانونگذار داخلی ایران برای مقابله با آن اعمال چون هرزه نگاری، رو سپیگری و توریسم جنسی اطفال را جرم تلقی کرده و مرتکبان این گونه اعمال را قابل مجازات دانسته اند.

۱- برای مثال « موسسه مطالعه رخدادهای کشور () منتشر کرده است که در سطح ایالات متحده آمریکا ۱۵۵۳۰۰ طفل در سال ۱۹۸۶ در معرض سوء استفاده جنسی توسط والدین یا سر پرستان و مراقبان قرار داشته اند » به نقل از دبرا ویتکامب، هنگامی که قربانی یک کودک، قسمت اول، پیشین، ص ۳۳،
- مثل اعتقاد به اینکه « انسان با برقراری روابط جنسی با دختر جوان می تواند نیروی جوانی خود را باز یابد یا ارتباط جنسی با یک باکره، بیماری امیزی را درمان می کند ». همان، ص ۱۱.

- به نقل از مریم عباچی - حقوق کیفری اطفال در اسناد سازمان ملل متحد، پیشین، ص ۸۷

بخش هفتم: سوء استفاده از طفل برای هرزه نگاری

جدید ترین شکل سوء استفاده از اطفال در فالت های مجرمانه جنسی، به کارگیری تکنولوژی مدرن در انتشار صور قبیحه اطفال می باشد. این نوع سوء استفاده اخیرا رشد جهانی مضاعفی پیدا کرده است بدین بیان که انتشار تصاویر قبیحه اطفال نه تنها از طریق کتابها و مجله ها، بلکه توسط دیسک های کامپیوتری و اینترنت پخش شده. امروزه از مجموع ۴/۳ میلیون سایت موجود در اینترنت، ۳۰۰۰۰ سایت آن به مطالب مبتذل جنسی مربوط می شود و به عبارت دیگر مطالب مبتذل جنسی، ۷۰ درصد از حدود ۴۰۰۰۰ مطالب ارسال شده در این شبکه را شامل می شود. یکی از مهمترین دلایل پیشرفت سریع مطالب جنسی بر روی اینترنت، سهولت انتشار و قابلیت تصویری آن است. گمانی و آسانی دسترسی به مطالب در شبکه موجب برانگیخته شدن علاقه شدید جنسی در کودکان می شود. آنچه بیش از هر چیز نگران کننده است شاید این باشد که اینترنت به این نوع مطالب مبتذل قابلیت تصاویری، وضوح و دسترسی بیش از حدی می دهد و به استفاده کننده گان از این مطالب احساس عضویت در این اجتماعی از این جدا از هم را القا می کند^۱

تاثیر روز افزون رسانه گروهی بر اطفال و نیز حقوق و آزادی بیان اطفال، افزایش استفاده از کودکان از طریق رسانه گروهی (حضور اطفال از طریق صدا و تصویر) در نمایش های خشونت آمیز و افزایش بهره برداری جنسی از اطفال و هرزه نگاری مربوط به آنها می تواند از عوامل بروز روابط جنسی نامشروع گردد. در ایران امروزی، شبیه این مساله را می توان تحت عنوان « سوء استفاده از اطفال در تبلیغات ممنوع تلویزیونی » بیان داشت: « از زمانی که استفاده از زنان در تبلیغات ممنوع گردید اطفال جای آنان را گرفتند و این جایگزینی چنان به سرعت انجام شد که زیان های آن نادیده گرفته شد. از آنجا که طفل جذابیت بیشتری برای تبلیغات تجاری دارند از آنان به عنوان کالا استفاده می شود تا کالاهای خود را تبلیغ نمایند،

^۱ - برای مطالعه بیشتر در خصوص بزه دیدگی اطفال از طریق انترنت ر. ک. به: بیژن حسینی - جرایم اینترنتی علیه اطفال و زمینه های جرم شناسی آند، چاپ اول، تهران، نشر افراز بهار

حال آنکه استفاده از طفل در این گونه تبلیغات نیز نوعی سوء استفاده از آنان محسوب می گردد که بر اساس تمام موازین اخلاقی، انسانی و پیمان جهانی حقوق کودک ۱۹۸۹، ممنوع گردیده است. در حال حاضر تجارت صور قبیحه در مواردی صورت می گیرد که به حیوان صفتی و پدو فیلی (میل جنسی بزرگسالان به اطفال) مربوط است. بدین ترتیب به تجارت اطفال یا اهداف جنسی بایستی توجه نمود. «در دعوی که اخیراً مطرح گردیده است، فهرستی از اعضای یک شرکت، متشکل از افرادی که میل جنسی به اطفال دارند از دادهای کامپیوتری کشف شد که حاوی اسامی افراد ۱۶ کشور اروپایی، آمریکایی، افریقایی، و آسیایی بود. هنگامی که این عمل با تاکتیر اعلانات شهوت انگیز بر روی مدارهای رایانه های کوچک (ریز کامپیوتر) مقایسه می شود، نمی توان از نظر دور داشت که آینده درخشانی در انتظار هرزه نگاری (انتظار صور قبیحه) است»^۲

در تهیه و توزیع فیلم های مستهجن جنسی اطفال، صنعت توریسم نیز نقش مهمی را ایفا مینماید و توریست ها- به ویژه توریست های کشورهای اروپایی مثل سوئد و هلند - از این فیلم ها به شدت استقبال می نمایند.^۳

مطلبی که در اینجا می بایستی بدان اشاره کرد این است که مرتکبان هرزه نگاری اطفال، همواره بزرگسالان نیستند و این عمل از ناحیه اطفال هم سن و سال - به ویژه اطفال بزرگترها - نیز قابل ارتکاب است. کما اینکه «گزارش شده از در برخی از شهر های افریقا و امریکای لاتین، اطفالی تحت عنوان «واسطه ها» که فقط چند سالی از قربانیان پورنوگرافی مسن ترند، کودکان زیر ۱۲ سال را به پورنوگرافی که غالباً از طریق معتاد ساختن آنها به مواد مخدر صورت می گیرد و می دارند. این اطفال معمولاً کسانی هستند که رابطه شان با والدین یا به کلی قطع شده یا بسیار ضعیف و اتفاقی است.» از انجایی که اطفالی سوء استفاده های هرزه نگاری حضور دارند، بیشتر به عنوان بزه دیده از جرم مورد بررسی تا مجرم و بزهکار، لذا

^۱ - قاسم زاده، فاطمه، تبلیغات تلویزیونی، سوء استفاده از کودکان، ماهنامه جامعه سالم، ش ۳۴، ۱۳۷۶، ص ۶۷

^۲ - آندره بوسار، پیشین، صص ۲۰ و ۱۹

^۳ - ر. ک. به: حسین فرحی، پیشین، ص ۲۴

مقررات بین المللی که ذیلا بدان ها اشاره می گردد، در صدد حمایت از اطفال در برابر این اعمال نامشروع بر می آمده اند: بیانیه حقوق کودک مصوب ۱۹۴۲ تصریح می نماید که: « که کودک باید در موقعیتی قرار داده شود که زندگی شادابی داشته و از هر نوع سوء استفاده ایمن باشد». اصل ۹ اعلامیه جهانی حقوق کودک ۱۹۵۹ بیان می دارد که: « کودک در برابر هر گونه غفلت، ظلم و استثمار حمایت شود...». مقررات ریاض طبق ماده ۴۳ و ۵۳، منع هر گونه سوء استفاده جنسی از اطفال و وضع و اجراء قوانینی برای پیشگیری از بره دیده شدن اطفال در اعمال پورنوگرافیک را توصیه می کند. ماده ۱۹ کنوانسیون حقوق کودک ۱۹۸۹ برای حمایت از اطفال در برابر همه شکل های بد رفتاری یا بهره کشی از جمله سوء استفاده جنسی است. این موضوع در ماده ۴۳ این کنوانسیون به تفصیل شرح داده شده و دولت های عضو متعهد شده اند که اطفال را در برابر همه شکل های بهره کشی جنسی و سوء استفاده جنسی محافظت کنند. این ماده ضمن تاکید بر جنبه های جهانی انواع خاصی از استثمار جنسی اطفال، دولت ها مکلف می دانند که با اتخاذ کلیه تدابیر مناسب، به ویژه به اقدامات ملی، دو جانبه و چند جانبه مبادرت خواهند کرد تا از سوء استفاده استثمار گرانه از کودکان در نمایش ها و تصامیر قبیحه (پورنو) جلوگیری شود. در سال ۱۹۹۹، دروین به موجب کنفرانس بین المللی، تهیه و توزیع، بهروری (بهره کشی)، انتقال، واردات، مالکیت بین المللی و آگهی پیرامون پورنوگرافی کودک جرم اعلام گردیده و بر اهمیت همکاری نزدیکتر و مشارکت بین حکومت ها در مبارزه با اعمال تاکید گردید. بنابراین در سال ۲۰۰۰، « پرو تکل اختیاری کنوانسیون حقوق کودک در خصوص فروش، رو سپیگری و هرزه نگاری کودکان » به تصویب رسید: به موجب این پرو تکل، دولت های طرف این کنوانسیون، تهیه نوشته و عکس های مبتذل از کودکان (پورنوگرافی) را ممنوع خواهند کرد. هر دولت طرف قرار داد حداقل تضمین می کند که تولید (تهیه)، توزیع، انتشار، واردات، صادرات، عرضه، فروش یا مالکیت برای اهداف فوق در جهت تهیه نوشته ها و عکس های مبتذل از کودکان

در قانون جزای خود بگنجانند (صرفنظر از اینکه این جرایم را تبعه داخلی یا بیگانه یا به صورت فردی یا سازمان یافته انجام دهند) هر دولت طرف قرارداد با توجه به مقررات حقوق داخلی خود به طور یکسان در مورد شروع به ارتکاب هر یک از این اعمال و همدستی یا مشارکت در هر یک از این جرایم، این مقررات را اعمال خواهد کرد و برای این جرایم با توجه به ماهیت مهمشان، مجازات پیش بینی کند گزارشگر ویژه مربوط به « فروش، روسپیگری و هرزه نگاری (پورنوگرافی) کودکان » به تحلیل موارد بهرکشی جنسی از کودکان در کشورهای مختلف می پردازد^۲ آکمیته حقوق کودک نیز از تغییر قوانین کشورها در جهت جنایت شمردن استفاده از هرزه نگاری اطفال، همچون تولید و پخش آنها، استقبال می نمایند

بخش هشتم: سوء استفاده از طفل برای فساد و فحشاء

دومین مورد سوء استفاده از طفل در فعالیت های مجرمانه جنسی، استفاده از وی برای امور فساد و فحشاء است که یکی از قدیمی ترین پدیده های اجتماعی - اقتصادی در جوامع مختلف به شمار می رود و تحقیقات فراوانی که در این زمینه انجام گرفته است، همگی بیانگر این هستند که عوامل اقتصادی در این گونه مسال سهم بیشتری را به خود اختصاص می دهد. البته در این گونه مسایل شاید نتوان اطفال را به نحوی که مقصود این کتاب بوده، بزه دیده تلقی نمود زیرا، در این گونه مسایل خود اطفال برخی مواقع مجرم شناخته می شوند نه بزه دیده، فلذا در این امور، اطفال بزه دیده به معنی اخص و تمام اعیار و کاملاً بی گناه فرض نمی شوند، به ویژه اطفال ممیز که در بسیاری از موارد در این گونه مسایل واجد مسولیت کیفری بوده و قانونن قابل تعقیب شناخته می شوند ولی از انجایی که ارتکاب اعمالی از سوی دیگران باعث کشده شدن آنها به مسایل فساد و فحشاء و خروج از مسیر

^۱-Ibid , Article (3).

^۲ - مقاله حمایت از کودکان، ترجمه مرکز مطالعات عالی بین المللی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، مجله حقوق بشر در جهان امروز اولوبیتی برای سازمان ملل متحد، چاپ اول، تهران، مرکز اطلاعات سازمان ملل متحد، ۱۳۷۹، ص

پاکدامنی میگردد لذا می توان فی الجمله انها را در این گونه مسایل نیز به نوعی بزه دیده تلقی نمود و بر همین مناسبت که قانونگذار نیز مبادرت به حمایت از ان اطفال در قبال سوء استفاده از انها در مسایل فساد و فحشاء نموده است. بنابراین یا امعان نظر به قوانین جزایی ایران، حمایت های پیش بینی شده برای اطفال در برابر این گونه مسایل را می توان تحت سه غالب زیر بررسی نمود.

بند اول: حمایت در برابر تسهیل یا تشویق به فساد اخلاقی یا شهوترانی

از نظر تاریخی نخستین بار در سال ۱۳۱۲ و به موجب قانون مجازات عمومی، این گونه مسایل مورد حمایت قانونگذار قرار گرفت با این توضیح که مقنن ۱۳۱۲ با تصویب بند ۱ ماده ۲۱۱ به مقابله با سوء استفاده کنندگان برخاست و اطفال را تحت شمول حمایت از خویش قرار داد. به موجب بند مذکور « کسی که عادتاً جوان کمتر از ۱۸ سال تمام را اعم از ذکور و اناث به فساد اخلاقی یا شهوترانی آنها را تسهیل نماید...» به حبس تأدیبی از شش ماه تا سه سال و به تأدیه غرامت از ۲۵۰ الی ۵۰۰ ریال محکوم می شد. برابر بر این مقرر حمایتی، اولاً اشخاص کمتر از ۱۸ سال تمام که در آن زمان طفل به شمار می آمدند در صورت کشیده شدن به مسایل فساد اخلاق و شهوترانی، طبق مقررات ویژه ی در دادگاههای اطفال تعقیب و مجازات می شدند. ثانیاً اشخاصی که با تشویق و تسهیل وسیله مجازات این گونه بزه کاری انها را فراهم می آوردند نیز مشمول مقرر حمایتی کیفری فوق الوصف می گردیدند. هم چنان که ملاحظه می شود مطابق اصول و مبانی عمومی حقوق جزا، این نوع فعل مجرمانه صورت خاصی از معاونت در جرم محسوب می شود لیکن مقنن به لحاظ حمایت بیشتر از بزه دیدگی اطفال آن را به موجب این مقرر حمایتی، جرم مستقلی تلقی نموده است. در توضیح رکن مادی بزه موصوف می توان گفت که مرادئ از تشویق فساد اخلاقی و شهوترانی طفل، «متوسل شدن به مجموعه اعمالی است که نهایتاً باعث ایجاد انگیزه و شوق طفل در مسایل فساد اخلاق و شهوترانی شود اعم از اینکه مجرم با بیان مطالب محرک یا توزیع و نمایش عکس ها، فیلمک ها و کتابها و نوشته های دیگر، این انگیزه و شوق را در طفل ایجاد نماید و یا با تشویق های مالی و غیره این انگیزه را ایجاد نماید منظور

از تسهیل فساد اخلاق یا شهوترانی طفل نیز «هر گونه مساعدت همراهی، ارایه طریق و رفع موانع می باشد». بنابراین اجزاء متشکله رکن مادی بزه مباحث عنه یعنی تشویق و تسهیل، عناوین کلی معاونت هستند که اهمیت موضوع و ضعف اطفال در دفاع از این گونه مسایل باعث گردیده تا قانون گذار از این عناوین کلی معاونت، تحت جرم مستقلی یاد نماید، فلذا مقصود قانونگذار از تشریح این عناوین کلی و عمومی، تحت شمول قرار دادن تمام موارد، حتی حيله و نیرنگ بوده زیرا، حيله و نیرنگ نیز به شکلی باعث ایجاد انگیزه و شوق در طفل به این گونه مسایل میگردد. البته واژه «عاداً» به کار رفته در صدر این مقرر حمایتی بیانگر این است که موارد استثنایی و نادر از این فعل مجرمانه خارج می شوند زیرا، اصولاً عادت در جایی به کار میرود که فعلی به صورت مکرر از شخصی سر بزند، حال در خصوص عداد تکرار این فعل مجرمانه جهت عادت محسوب گردیدن اختلاف نظر وجود دارد: بعضی ها دو بار ارتکاب را عادت محسوب می نمایند و بعضی ها هم سه بار ۲. قانون تعداد اعمال را لازم که تشکیل عادت می دهد را بیان نکرده است و این مساله را به تشخیص قاضی واگذار نموده است ولی به هر حال این قید، ظاهراً امری عرفی است و قدر متیقن این است که شخصی برای سومین بار مرتکب عمل مزبور میشود قطعاً مشمول این مقرر حمایتی می گردد و چه بسا در بار دوم هم بتوان وی را برابر این مقرر حمایتی مجازات نمود. کما اینکه عدم احراز قید عادت در مرتکب این گونه اعمال، وی را به کلی از مجازات معاف نمی نماید زیرا، عمل چنین شخصی مطابق مقرر حمایتی فوق الاشعار قابل مجازات نیست لیکن برابر قواعد حقوق جزای عمومی در باب معاونت در جرم، می توان وی را مجازات نمود.

از نظر رکن معنوی نیز برابر مقرر در بند ۱ ماده ۲۱۱ قانون مجازات عمومی اصلاحی ۱۳۱۲، فعل مجرمانه موصوف (تسهیل و تشویق طفل به فساد اخلاق یا شهوترانی) عمدی تلقی می شود و توجهاً بر اینکه این فعل مجرمانه ماهیتاً معاونت بوده - که در خصوص اطفال جرم مستقل به شمار آمده - لذا جرم محسوب گردیدن آن مقید به حصول نتیجه می

۱- ر. ک به زین الدین جعی العاملی (شهید ثانی)، الروضه البهیة فی شرح اللعنه الدمشقیه، ج ۲، پیشین، ص ۴۰۶

باشد یعنی در اثر این تسهیل و تشویق، طفل می بایستی به مسایل فساد اخلاقی یا شهوترانی بپردازد تا بتوان مشوق و تسهیل کننده را برابر این مقرر مجازات نمود.

بند دوم: حمایت در برابر بردن وادار نمودن جهت رفتن به شهوترانی و اجیر نمودن

برای این مقصود

بند ۴ ماده ۲۱۱ قانون مجازات عمومی اصلاحی ۱۳۱۲ نیز، اطفال را در برابر مسایل فساد اخلاق و شهوترانی از جنبه های دیگر تحت حمایت خویش قرار داده بود. به موجب این بند « کسی که جوان کمتر از ۱۸ سال تمام را برای شهوترانی غیر ببرد و یا او را وادار به رفتن کند و یا او را برای این مقصود اجیر کند » به حبس تأدیبی از شش ماه تا سه سال و به تأدیه غرامت از ۲۵۰ الی ۵۰۰۰ ریال محکوم می گردید. هم چنانکه ملاحظه با امعان نظر بر اینکه بزه دیده این جرم نیز طفل بوده لذا قانونگذار برایگونه افعال مجرمانه ای که ماهیتاً معاونت بوده اند نیز وصف جزایی مستقلی بخشیده است. برابر مقرر حمایتی موصوف، بردن، وادار نمودن طفل رفتن به جهت شهوترانی و اجیر کردن وی برای شهوترانی سه جزء رکن مادی این جرم را تشکیل میدهند که هر سه زمینه ارتکاب جرم از سوی فرد دیگری که در مقرر حمایتی از او به « غیر » تعبیر شده می باشند.

از حیث جنسیت بین طفل مذکر و مونث در خصوص این جرم فرقی نمی توان قائل شد زیرا قانونگذار از واژه « جوان » کمتر از ۱۸ سال تمام به صورت مطلق استفاده نموده و که هر دو را شامل می گردد حال آنکه در مورد جرم مذکور در بند ۱، قانونگذار صراحتاً بزدریده را اعم از طفل مذکر و مونث معرفی کرده بود. به هر حال بزه دیده این جرم را اطفال اناث و ذکور تشکیل می دهند و تنها تفاوت دو جرم فوق الاشعار در این است که بزه دیده جرم مذکور در بند ۱، خود مرتکب جرمی می شود که مستلزم شهوترانی یا فساد اخلاق است، حال آنکه بزه دیده جرم مذکور در بند ۲، علاوه بر اینکه موضوع جرم برنده یا وادار کننده و اجیر کننده است پس از آن هم موضوع شهوترانی غیر قرار می گیرد. هر چند ممکن است

این بزه دیده نیز طبق قرار کیفری ویژه اطفال قابل مجازات باشد لیکن وجود و حضور شخص مجرم دیگری را برای تحقق جرم موضوع بند ۴ ضرورت دارد. از نظر رکن معنوی این جرم نیز همانند جرم مندرج در بند ۱، عمدی می باشد و تحقق آن منوط به وقوع جرایمی از طرف غیر است که عنوان شهوترانی داشته باشد زیرا، ماهیت معاونت این گونه جرایم اقتضاء می نماید که اصل جرم به عبارت دیگر جرم اهم به وقوع بپیوندد.

بند سوم: حمایت در برابر تسهیل، تشویق، بردن و اجیر کردن جهت رفتن به خارج به منظور اشتغال به فاحشگی

این حمایت نیز در بند «ب» ماده ۲۱۳ قانون مجازات عمومی اصلاحی ۱۳۱۲ پیش بینی گردیده بود. بند فوق الاشعار مقرر می داشت که: « هر کس زنی را برای رفتن به خارجه تشویق کند یا مسافرت او را به خارج تسهیل نماید و عامل باشد بعه این که آن زن زن در خارجه به شغل فاحشگی مشغول خواهد شد به حبس تأدیبی از یک تا سه سال محکوم می شود. در موارد ذیل مرتکب به حبس تأدیبی از دو سال تا چهار سال محکوم خواهد شد: ۱- در صورتی که زن ۱۸ کمتر از ۱۸ سال تمام داشته باشد...»

افعال ماده این جرم نیز همانند دو جرم قبلی، اصولاً از مصادیق معاونت محسوب می شوند که مقنن به لحاظ طفل بودن بزه دیده آن، به عنوان جرم مستقل مرتکب آن را مورد مجازات را قرار داده است. رکن ماده بزه مانحن فیه را نیز دو جزء تشویق و تسهیل تشکیل می دهند که اصولاً از مصادیق معاونت هستند. برای تحقق رکن روانی این جرم نیز علم مرتکب به اینه آن طفل مونث در خارجه به فحشاء روی می آورد می بایستی احراز شود. مقررره حمایتی فوق الاشعار در سال ۱۳۱۳ اصلاح و به شکل ذیل در آمد: «...ب- هر کس زنی را با علم به اینکه آن زن در خارجه به شغل فاحشگی مشغول خواهد شد برای رفتن به خارجه تشویق کند و یا مسافرت او را به خارجه تسهیل نماید یا او را ولو با رضایت خودش به خارجه ببرد و یا برای رفتن به آنجا اجیر کند به حبس تأدیبی از یک سال تا سه سال محکوم می شود،

اگر چه اعمال مختلفی مبنای جرم محسوب می شود در ممالک مختلفه صورت گرفته باشد. در موارد زیر مرتکب به حداکثر مجازات مزبور محکوم خواهد شد: ۱- در صورتی که زن کمتر از ۱۸ سال تمام داشته باشد...» اجزایی مطابق این مقرر اصلاحی به رکن مادی این جرم اضافه گردیده عبارتند است: بردن به خارج و اجیر کردن برای رفتن به خارج از کشور. این دو جزء نیز از این جهت که ارتباط مستقیمی با اشتغال به فاحشگی طفل در خارج ندارد و تنها زمینه ساز آنها هستند اصولاً می بایستی معاونت محسوب می گردیدند ولی قانونگذار در راستای حمایت بهتر و بیشتر از بزه دیدگی اطفال، آنها را از عنوان کلی معاونت خارج کرده و به عنوان جرم مستقلی مجازات نموده است.

بنا به تصریح این مقرر اصلاحی از حیث رکن معنوی، رضایت بزه دیده وصف جزایی را زائل نمی کند و تنها در صورتی که مرتکب به انگیزه بزه دیده جهت رفتن به خارج علم داشته باشد این جرم محقق می گردد. البته با امعان نظر بر مقررات مذکور در ذیل این مقرر حمایتی می توان اذعان داشت که در مواردی که مرتکب این جرم از اقربای نسبی تا درجه سوم و یا از اقربای سببی درجه اول بزه دیده (اعم از ذکور و اناث) و یا قیم وی باشد و یا مامور دولت باشد که منجی علیه از طرف مقامات رسمی به او سپرده شده و یا از محارم منجی علیه باشد، حمایت از بزه دیده این جرم تشدید خواهد شد بدین معنی که در این گونه موارد مجازات مرتکب حبس با کار اجباری از دو تا پنج سال خواهد بود.

حمایت دیگری که مطابق این مقرر برای اطفال در خصوص این جرم پیش بینی گردیده است عبارتند از: ۱- شروع به جرم صراحتاً قابل مجازات تشخیص داده شده است «ذیل بند ب ماده ۲۱۳ اصلاحی ۱۳۱۳».

۲- به فرض اینکه عناصر تشکیل دهنده و مبنای جرم در کشورهای مختلف صورت گرفته باشد، مرتکب قابل تعقیب تشخیص گردیده است.

نتیجه گیری

بطور کلی در قوانین کیفری ایران هیچ قانونی خاصی در رابطه با کودک آزاری جنسی وجود ندارد و متأسفانه در این مورد جرم انگاری خاص نشده است. و همانطور که ملاحظه و بررسی شد حتی در برخی مواد قانونی زمانی که بزه دیده، طفل می باشد، حمایت کیفری کمتری نیز از وی مطرح شده است. این امر در حالی است که در کنوانسیون حقوق کودک که ایران نیز به آن ملحق شده است و در کنوانسیونهای بین المللی مرتبط دیگر بر لزوم جرم انگاری خاص در خصوص کودک آزاری تأکید شده است. علیرغم آنکه کودک آزاریها اعم از جسمی و روحی و جنسی در داخل خانواده ها و توسط نزدیکترین افراد به کودک از جمله والدین وی انجام می شود، با کمال تأسف هنوز هیچ قانون خاصی برای حمایت از کودکان در مقابل خشونت‌های خانگی تصویب نشده است و حتی قانون حمایت از کودکان و نوجوانان مصوب آذر ماه ۱۳۸۱ نیز، والدین را در مورد اینگونه جرائم از تعقیب و مجازات معاف دانسته است. همچنین هیچ نهاد یا سازمانی که مسئولیت حمایت از کودکان آسیب دیده یا نظارت بر این امر را بر عهده گیرد، وجود ندارد و کودکان علیرغم داشتن هیچگونه تأمینی مجدداً به داخل همان خانواده و نزد والدینی باز خواهند گشت که آنها را مورد اذیت و آزار قرار داده اند! به هر حال جرم انگاری خاص در مورد برخی رفتارها و جرایمی که علیه اطفال ارتکاب می یابد و تشدید کیفر مرتکبان اینگونه جرائم دو راهکار و مکانیسم پیش بینی شونده در حقوق جزای ماهوی برای حمایت کیفری بیشتر از اطفال است. همچنین اصلاح بعضی از قوانین کیفری مثل ماده ۲۲۰ قانون مجازات اسلامی (در مورد عدم قصاص پدر به خاطر قتل فرزند) که خود بنوعی خشونت قانونی علیه کودکان بشمار می رود، ضروری می نماید تا احتمال سوء استفاده از این ماده قانونی توسط برخی والدین متعرض به کودک منتفی گردد.

منابع و مأخذ

۱. اباذری فومشی، منصور شرحی بر قانونی مجازات اسلامی ایران، انتشارات خط سوم، تهران، ۱۳۷۹
۲. باقری یزدی، سید عباس بررسی موارد کودک آزاری، انتشارات وزارت بهداشت، تهران، ۱۳۷۹
۳. بوسار، آندره، بزهکاری بین المللی، ترجمه نگار رخشانی، چاپ اول، نشر گنج دانش، ۱۳۷۵
۴. پور ناجی، بنفشه، مرگ خاموش، انتشارات همشهری، تهران، ۱۳۷۸
۵. دانش، تاج زمان، مجرم کیست، چاپ هشتم، انتشارات کیهان، تهران، ۱۳۷۹
۶. زراعت، عباس، شرح قانون مجازات اسلامی، چاپ اول، نشر ققنونس، تهران، ۱۳۷۸
۷. ستوده، هدایت ... و میرزایی، بنفشه، روانشناسی جزایی، انتشارات آوای نور، تهران، ۱۳۷۶
۸. سیاح، احمد، فرهنگ بزرگ جامع نوین، چاپ نهم، کتابقروشی اسلامی، تهران، ۱۳۹۸ ه.ق
۹. شهری، غلامرضا و ستوده جهرمی، سروش، نظرهای اداره حقوقی قوه قضاییه، چاپ دوم، تهران، ۱۳۷۷
۱۰. شیخ طوسی، النهایه فی مجرد الفقه و الفتاوی، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، انتشارات دانشگاه تهران، تهران، ۱۳۴۳
۱۱. صفایی، سید حسین و قاسم زاده، سیدمرتضی، حقوق مدنی اشخاص و محجورین، انتشارات سمت، تهران، ۱۳۷۷
۱۲. عبادی، شیرین، حقوق کودک، چاپ چهارم، انتشارات کانون، تهران، ۱۳۷۵
۱۳. فیض، علیرضا، تطبیق در حقوق جزای عمومی اسلام، انتشارات امیر کبیر، تهران، ۱۳۶۹

۱۴. مجموعه قوانین و مقررات سال ۱۳۵۸ روزنامه رسمی ایران ص ۱۵
۱۵. مدنی، سعید، کودک آزاری در ایران، انتشارات اکنون، تهران، ۱۳۸۳
۱۶. نجفی ابرندآبادی، علی و هاشم بیگی، حمید، دانشنامه جرم شناسی، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ۱۳۷۷

